



فصلنامه معماری سبز

سال دهم، شماره ۲ (پیاپی: ۳۹)، بهار ۱۴۰۳، (ویژه‌نامه)

ISSN:2476-5368

باز تعریف معماری شیوه اصفهانی در عصر صفویه؛ مورد پژوهی؛ شهر اصفهان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۰

کد مقاله: ۲۸۴۳۹

نیلوفر مهدوی^{۱*}، نگین سادات قاسمی اهری^۲، نیوشا دینی^۳،
سید امیرمحمد گوهرجو^۴.

چکیده

شیوه اصفهانی آخرین مکتب معماری ایران است. این مکتب پس از شیوه آذری شکل گرفت اما ویژگی های معماری آن به پیچیدگی آذری نبود و سادگی مکتب خراسانی را نیز نداشت. به علت عقاید مذهبی پادشاهان صفوی، ویژگی های معماری این سبک برگرفته از آموزه های دینی بود. در این دوره بنا ها و آثار به اوج شکوفایی و زیبایی خود رسیدند. حال آنکه مکتب اصفهانی در مبحث کالبد آثار چه ویژگی هایی را از خود به نمایش می گذارد، مجهول اصلی تحقیق است و دستیابی به آن هدف آرمانی مقاله می باشد. در این مقاله سعی بر این است تا با روش کیفی و رویکرد تفسیری-تاریخی به تحلیل ویژگی های معماری شیوه اصفهانی در عصر صفوی در شهر اصفهان پرداخته شود؛ این پژوهش بر آن است که با بررسی ویژگی های معماری مکتب اصفهانی و بررسی سه اثر شاخص ساخته شده در عصر صفوی، ویژگی های کالبدی آن را استخراج و مورد ارزیابی قرار دهد. این مکتب در تاریخ معماری ایران چنان حائز اهمیت است که حال سبک اصلی معماری ایران را شیوه اصفهانی می دانند. مکتب اصفهانی در دوران صفویه و در شهر اصفهان به عنوان یک جریان فرهنگی نهادینه شده بود که هنر معماری را بطور گسترده ای در آغاز قرار داد. تأثیر شیوه اصفهانی به عنوان مرکز فرهنگی و معماری در آن زمان، به وضوح در دهه های بعدی نیز محسوس است.

واژگان کلیدی: شیوه اصفهانی، صفویه، معماری، کالبد.

۱- دانشجوی کارشناسی معماری داخلی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز (نویسنده مسئول)

niloufarmahdavi74@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب

۳- دانشجوی کارشناسی معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب

۴- دانشجوی کارشناسی معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب

با توجه به تحقیقات و نظریه های استاد پیرنیا مکاتب معماری ایرانی به ۶ شیوه پارسی، پارتی، خراسانی، رازی، آذری و اصفهانی تقسیم می شود. شیوه اصفهانی پس از شیوه آذری بوده و آخرین مکتب معماری ایرانی به شمار می رود. این مکتب یکی از مهم ترین و تأثیر گذارترین مکتب های معماری ایرانی بوده. معماری بومی آذربایجان پدید آورنده سه شیوه معماری ایران از جمله شیوه اصفهانی بود. پس خاستگاه این شیوه، شهر اصفهان نبوده ولی در آنجا رشد کرده و بهترین ساختمان های آن در این شهر ساخته شده اند. (پیرنیا، ۱۳۹۸) دوره های حضور این سبک شامل دوره صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه بوده است؛ همانطور که از اسم این سبک پیدا است در دوره صفویه زمانی که پایتخت این دوره شهر اصفهان بود این شیوه به تجلی و شکوفایی خود رسید. (مازیار سرداری، ۱۴۰۰) این شیوه کمی پیش از روی کار آمدن صفویان از زمان قره قویونلوها آغاز شده و در پایان روزگار محمدشاه قاجار، دوره نخست آن به پایان می رسد. دوره دوم آن، زمان پسرفت (انحطاط) این شیوه است، که در واقع از زمان افشاریان آغاز و در زمان زندیان دنبال شد. ولی پسرفت کامل از زمان محمدشاه آغاز گشت و در دگرگونی های معماری تهران و شهرهای نزدیک به آن آشکار شد. (پیرنیا، ۱۳۹۸) در دوره صفوی به علت آنکه در این دوره تاریخی، کشور در ثبات اجتماعی و اقتصادی قرار داشت شرایط برای شکوفایی معماری مهیا بود، اما در دوره نادرشاه افشار به علت جنگ های متعدد، کمتر آثاری از این شیوه ساخته شده است؛ همانطور که گفته شد در واقع از دوره صفویه تا قاجار ساخت اثر از این مکتب رفته رفته کم رنگ تر گشت.

حکومت صفوی با تکیه بر مفاهیم عرفانی از سویی و با تکیه بر تعابیر و تفاسیر شریعت از نقطه نظر مذهب شیعه از سویی دیگر موفق شد تا پایگاه اجتماعی بسیار گسترده ای را در پهنه ای وسیع بدست آورد. دولت صفوی بنا به سنت های کهن سازماندهی، راه اندازی و ایجاد تأسیسات و تجهیزات زیر ساختی را برعهده گرفت که در این دوره مفهوم شهر مجدداً ابداع شد. (اردلان، ۱۳۸۷) با استفاده از مطالعات پیشین صورت گرفته و مدارک و شواهد موجود، این مقاله بر آن است که با استناد به ویژگی های شیوه اصفهانی در دوره صفوی و بررسی حال و هوای معماری آن دوره به تبیین ویژگی های سه بنای شاخص در شهر اصفهان بپردازد. از این رو آشنایی با مفاهیم و شاخصه های کالبدی آن حائز اهمیت و الزامی است.

۲- پیشینه پژوهش

مقالات متعددی در زمینه شیوه اصفهانی به چاپ رسیده است. با بررسی دیدگاه های متداول، اکثر پژوهش های صورت گرفته پیرامون تاریخچه و پیدایش این مکتب و تحلیل ویژگی های معماری و هنری این شیوه بوده است. برای مثال علی صالح در مقاله ای با عنوان «تحلیل و بررسی عصر صفویه» که در سال ۱۳۹۹ به چاپ رسیده است، به مطالعه مکتب اصفهانی از دو جنبه تاریخچه و معماری پرداخته؛ یا در مقاله ای با عنوان «بررسی و تحلیل تأثیر معماری سبک آذری بر سبک اصفهانی» به نوشته حمید خانعلی در سال ۱۳۹۷ به رشته تحریر درآمده، به بررسی تزئینات ستون های شیوه آذری و تأثیر آن بر تزئینات ستون های سبک اصفهانی توجه کرده است. سید محمدحسین رضوی نیا در مقاله ای به اسم «بررسی نشانه شناختی مکتب اصفهان در شهرسازی و معماری» در سال ۱۳۹۶ به مطالعه و بررسی های کلی ویژگی های معماری از جنبه کالبدی پرداخته است. اما در هیچ یک از این مقالات به بررسی ویژگی های شاخص آثار شهر اصفهان از این شیوه در دوره صفویه، پرداخته نشده است. تعداد کمی از این مقالات به بررسی ویژگی های آثار این مکتب اشاره کرده اند اما این بررسی برای ویژگی های مشترک آثار مکتب اصفهانی برای تمامی دوره ها و شهرهای متفاوت بوده و تفکیکی صورت نگرفته است.

۳- روش پژوهش

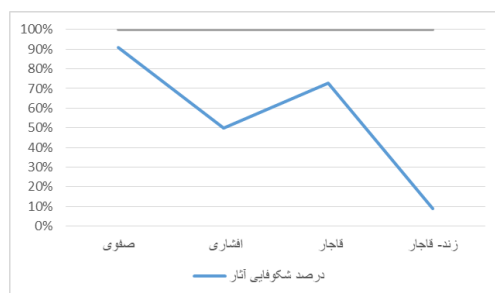
این تحقیق به بررسی و مطالعه در جهت آشنایی با تاریخچه و پیدایش شیوه اصفهانی و تحقیق و بازتعریف سه اثر شاخص این مکتب در دوره صفویه و در شهر اصفهان از حیث کالبد می پردازد. اساس این پژوهش به لحاظ محتوا کیفی (روشی است برای دستیابی به درک عمیق تر از هرآنچه که در حال تحقیق درباره آن هستیم. مجموعه فعالیت هایی چون مطالعه، مشاهده، مصاحبه و شرکت گسترده در فعالیت های پژوهشی که هر کدام به نحوی محقق را در کسب اطلاعات دست اول درباره موضوع مورد تحقیق یاری می دهند). بشمار می رود. رویکرد این تحقیق تفسیری-تاریخی (زیرا که اطلاعات معماری در دوره های تاریخی قاجار و پهلوی دوم، جمع آوری و مورد تحلیل قرار میگیرد) است. شرح ابزار های روش پژوهش عبارت است از جمع آوری داده ها که در ابتدا به صورت کتابخانه ای است و در ادامه استفاده از اسناد و متون تاریخی مثل مطالعه مقالات مرتبط، مطالعه کتاب های سبک شناسی و تاریخ شناسی معماری مورد استفاده قرار گرفته است.

۴- مبانی نظری

۴-۱- تاریخچه پیدایش مکتب اصفهانی

با نگاهی کلی بر تاریخ ایران یکی از درخشان ترین دوره های هنری ایران پس از اسلام دوره صفویه است، با ظهور شاه عباس اول عصر طلایی معماری صفوی در آن دوره آغاز گردید و مکتب اصفهانی به اوج شکوفایی خود رسید. در اواخر دوره تیموری هرج و مرج تمام ایران را فرا گرفته بود و اقوام مختلف در نقاط مختلف ایران دست به شورش و حملات میزدند. یکی از آنها ترکمنان قراقریونلو در غرب ایران بودند. آنها در سال ۸۰۹ یکی از نوادگان تیمور به نام میرزا ابوبکر را از تبریز بیرون راندند و خود تا چندی بر آن شهر فرمانروایی داشتند. در گیرودار این کشمکش ها، فردی بنام اسماعیل، از خاندان صفوی و از نوادگان شیخ صفی الدین اردبیلی عارف بزرگ قرن هفتم و هشتم، بعد از درگیری هایی با شروانشاهان و آق قویونلوها، و پیروزی بر آنها در سال ۹۰۸ هجری، در تبریز به تخت نشست. پس از آن، بسیاری از شهرهای عراق، مشرق آسیای صغیر، لرستان، خوزستان و خراسان بزرگ را گشود، تا اینکه در سال ۹۳۰ هجری درگذشت. بعد از شاه اسماعیل، بزرگترین فرزند وی، طهماسب جای او را گرفت و مدت ۵۴ سال تا سال ۹۸۴ حکومت کرد. بعد از او یکی از پسرانش بنام اسماعیل به شاهی برگزیده شد و پایتخت خود را شهر قزوین قرار داد. بعد از شاه اسماعیل دوم، برادرش محمد خدابنده و بعد از او عباس میرزا در سال ۹۹۵ به تخت نشست. او که بعدها به شاه عباس معروف شد، در ابتدا و در دوران کودکی خود حاکم هرات بود. او با روشهای مختلف توانست دشمنان خود را سرکوب نماید. در دوره او روابطی با کشورهای غربی ایجاد گردید و حتی در مسائل نظامی با انگلیسی ها روابطی برقرار کرد، و بعد از سرکوب اغتشاشات داخلی، با ازبکان جنگید، آنها را نیز شکست داد. از طرف دیگر قوای عثمانی را که در شمال غرب ایران بودند نیز شکست داد و کربلا، نجف و تمام آذربایجان را بار دیگر فتح کرد.

شاه عباس در سال ۱۰۰۶ پایتخت را از قزوین به اصفهان منتقل کرد و در این دوره است که شهر اصفهان به نهایت آبادی خود میرسد. شیوه اصفهانی در برگرفته شیوه هایی است که در نوشته های غربی به شیوه صفوی، افشاری، قاجار و زند- قاجار نامیده شده اند. (پیرنیا، ۱۳۹۸) مکتب اصفهان، در اثر توجه پادشاهان صفوی و خلاقیت معماران شکل گرفت که باعث تمایز میان این مکتب با معماری دیگر دوره ها گردید. به عبارت دیگر، در این دوره، معماری از یک امر ارگانیک، که صرفاً براساس نیازهای طبیعی شکل میگرفت؛ به معماری خردگرا بدل شد که واجد ارزشهای فلسفی، هنری و فنی است. (طیسی، ۱۳۸۶)



نمودار ۱: سیر تحول شکوفایی آثار در دوره های مختلف

۴-۲- تأثیر حکومت صفوی بر مکتب اصفهانی

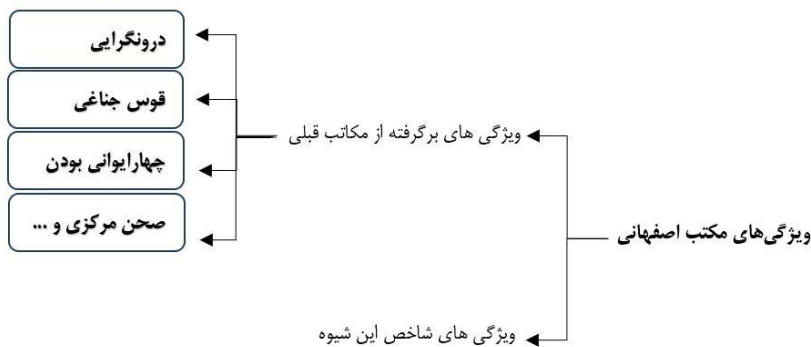
میتوان اظهار داشت سبک اصفهانی تحقق آرمانشهر دولت صفوی بوده است که خود این آرمانشهر از افقی که صاحب نظرانی چون ملاصدرا از هنر متعالی ترسیم نموده بودند، ریشه میگرفت. (نوحی، ۱۳۷۹) تفکرات عرفانی عصر صفوی در این دوره در رشد و تعالی باغ ایرانی و تداوم معنای آن نقش مؤثری داشته است. یکی از مباحثی که در مکتب اصفهان مطرح می شود این است که ایده ساختن این باغ ها از دوران باستان، ایجاد بهشت زمینی بوده و هدف باغساز ایرانی از بنای این پردیس ها این بوده که آرزوی دیرینه بهشت برین را در این عالم خاکی تجسم بخشد. (مددیپور، ۱۳۸۴) پدیده شکوهمند شهرسازی و مجموعه بناهای فاخر اصفهان گذشته، از روحیه آبادگر و استعداد و ذوق هنری شخص شاه عباس زاینده دوره تاریخی و تحولات جهانی بود. برخی عامل ارتباطات پدید آمده بین ایران و دیگر کشورهای اروپایی و آسیایی را نیز در آن مؤثر میدانند. اما آنچه انکار ناپذیر مینماید این است که این شکوفایی به سبب نداشتن پایه های فرهنگی استوار با مرگ شاه عباس رو به انحطاط نهاد. (علی صالح، ۱۳۹۹) دوره صفویه، با گرایش به مفاهیم شیعه، نقطه عظیمی در تاریخ اقتصاد و هنر ایران را به وجود آورد. در این دوران، حکومت صفوی تحت رهبری شاه عباس، ارتباطات سیاسی و اجتماعی خود را با نهادهای جهانی گسترش داد و اقتصاد و بازرگانی کشور را گسترش و توسعه داد. این رونق اقتصادی در زمینه های مختلف از جمله هنر ساختمانی، شهرسازی و تأسیس شهرها، الگویی نوین را به وجود آورد که به عنوان "مکتب اصفهان" شناخته می شود. شهر اصفهان در این دوره به عنوان نماد و تجسم آرمانشهر دولت صفوی در نظر گرفته شده است، مبتنی بر آراء حکمی و فلسفی مکتب اصفهان، این مکتب، با توجه به دیدگاه حاکم، به وحدت بیان دست یافت و از مفهوم وحدت بی تجزیه و تفکیک تأکید کرد. در این ساختار، هر جزء به عنوان یک واحد کامل در نظر گرفته می شود و در ترکیب با سایر اجزاء، به شکل یک مجموعه بزرگتر واحد می شود. مفهوم انسانی نیز در این مکتب به وسیله فضاهای انسانی مطرح می شود، جایی که مقیاس ها، اندازه ها، حجم ها و دیگر عوامل، ابزارهای بیانی برای فضاها هستند. مکتب اصفهان از آفریدن

فضاهای مسلط و ساختمان‌های سلطه‌گر پرهیز می‌کند. بدون آنکه در تلاش برای ایجاد یادمان‌های مهم باشد، خود به عنوان یک یادمان تلقی می‌شود. نقطه اوج این یادمان‌ها میدان نقش جهان در اصفهان است، که نمایانگر بالاترین سطح ارتقاء این یادمان‌ها می‌باشد.



نمودار ۲: نگرش عرفانی نسبت به فضای معماری (مأخذ: رضوی نیا، ۱۳۹۶)

۳-۴- ویژگی‌های مکتب اصفهانی



نمودار ۳: تفکیک ویژگی‌های شاخص و تقلیدی مکتب اصفهانی

جدول ۱: ویژگی‌های شاخص شیوه اصفهانی

ویژگی‌های شاخص شیوه اصفهانی
ساده شدن طرحها که در بیشتر ساختمان‌ها، فضاها یا چهار پهلو (مربع) هستند یا مستطیل.
در شیوه آذری با بکارگیری یک هندسه قوی، طرحهای پیچیده ای ساخته شدند اما در شیوه اصفهانی، هندسه ساده و شکل‌ها و خط‌های شکسته بیشتر بکار رفت.
در تهرانگ ساختمانها نخیر و نه‌از (پیش آمدگی و پس رفتگی) کمتر شد، ولی از این شیوه به بعد ساخت گوشه‌های پخ در ساختمان رایج شد.
همچنین پیمون بندی و بهره‌گیری از اندام‌ها و اندازه‌های یکسان در ساختمان دنبال شد.
پیشرفته شدن تزئینات.

۴-۴- تزئینات

در شیوه معماری اصفهانی آمودها با الهام گرفتن از کم و کیف رستاخیز هنری، و به مقتضای ساختار کالبدی بناها به طرز نو اجرا می‌شوند. (علی صالح، ۱۳۹۹) در دوره صفوی تزئینات به پیشرفته‌ترین و زیباترین حالت خود میرسند که شاخص‌ترین این تزئینات، پای ستون‌های مارپیچ و سرستون‌های مقرنس‌شده و تبدیل کاشی‌های معرق به کاشی‌های هفت‌رنگ یکپارچه است.

۱. **رنگ:** رنگهای بکار رفته در پوششها و آمودهای بناها یکی از ملاکهای شناخت دوره تاریخی آثار، و نیز یکی از عناصر ارزیابی ذوق و پسند کلاسیک و عمومی اهل فن و هنر و عامه در هر دوره تاریخی است. (علی صالح، ۱۳۹۹)

ب. **نقش بر دیوار:** نقش‌های روایتی بر دیوار کاخ چهل ستون و نقش‌های نفیس تزئینی بر دیوار کاخ‌های صفوی هر یک نمونه‌ای ارزشمند از هنر متحول نگارگری ایران در آن دوره است. (علی صالح، ۱۳۹۹)

ت. **نورپردازی:** تنظیم نور با توجه به جهت تابش آفتاب و رعایت سنت درونگرایی در بناهای ایرانی صورت گرفته است. دور کردن بلند گنبد‌ها نورگیرهایی تعبیه شده است که هم سنگینی نما را متعادل میکند و هم نور کافی و غیرمستقیم به داخل می‌دهد. نورگیرها در بسیاری از بناها به صورت گلجام است. در نمای خانه‌ها برای هدایت نور غیرمستقیم به درون و جلوگیری از اشراق خارج به حریم خانه، از شبکه‌های چوبی یا شبکه‌های آجری «فخر و مدین» استفاده شده است. (علی صالح، ۱۳۹۹)

ث. **آئینه کاری و گچبری:** آئینه کاری در تالارها و طاق سردرها از آموزه‌های ابداعی شیوه اصفهانی است که با طرح‌های متنوع اجرا شده است. گچ تراش یا گچ معرق نیز از یادگارهای معماری اصفهانی است که در برخی از بناهای حوزه مرکزی ایران مورد استفاده قرار گرفته است. (علی صالح، ۱۳۹۹)

ج. **کاشی هفت رنگ:** کاشی هفت رنگ از ابداعات دوره عباسی است که پس از یک دوره طولانی معرق کاری در معماری ایرانی در بناهای کلاسیک اصفهان بکار می‌رود. صفحات منقوش و به هم پیوسته کاشیهای نما و ترک‌های نگاره دار گنبد‌ها، با رنگهای بدیع و گل و بوته‌های استیلیزه شده و نقش‌های اسلیمی و هندسی آذین می‌شوند. (علی صالح، ۱۳۹۹)

جدول ۲: انواع تزئینات (تزئینات شاخص) شیوه اصفهانی در دوره صفوی

نام تزئین	توضیحات	عکس
تزئینات شیوه اصفهانی دوره صفوی	رنگ	در آثار قوام یافته با شیوه اصفهانی رنگهای مسلط آبی، فیروزه‌ای، لاجوردی، سفید شیرین، نخودی پخته و طلایی است.
	نقش بر دیوار	از مختصات هنری این دوره احیای نقش بر دیوار است که با فضا سازی و مکان‌گزینی شیوه معماری اصفهانی، تجدید حیات آن ممکن شد.
	نورپردازی	نورپردازی یکی از ویژگی‌های چشمگیر مسجد شیخ لطف الله است. وی به پنجره‌های مشبک در ساقه‌ها توجه دارد که شامل نقش‌های اسلیمی است.
تزئینات شاخص	آئینه کاری و گچبری	آئینه کاری در تالارها و طاق سردرها از آموزه‌های ابداعی شیوه اصفهانی است. گچ تراش یا گچ معرق نیز از یادگارهای معماری اصفهانی است.
	سرستون	سرستون‌های مقرنس کاری شده.
	پایه ستون	پایه ستون‌های ماریج.
	کاشی هفت رنگ	این نوع کاشی دوام و ارزش کاشی معرق را ندارد، اما چون نظر بر این بوده که منظر عمومی بنا آبی باشد، کاشی هفت رنگ بیشتر مطلوب بوده است.

۴-۵- کاخ عالی قاپو

«در غرب میدان و مقابل مسجد شیخ لطف الله، عمارت عالی قاپو قرار دارد. این عمارت را شاه عباس به عنوان دهلیزی سرگشاده و معمولی برای باغ‌های سلطنتی بنا کرد؛ عمارت در طول ۶۰ سال هم بارها از شکل ساده اولیه اش به تالار بار عام و سکوی خطابه‌ای رسمی تغییر کاربری یافت؛ که از آن جا که رژه سپاهیان و بازیهای را که در میدان برگزار میشد، بازدید میکردند؛

و همه به جانب بالا گسترش می‌یافت. شکل نهایی بنا مشتمل است بر توده ساختمانی ای [= بلوک] (۲۰×۲۰×۳۳ متر) که جلوی آن مجتمعی ورودی قرار گرفته و بالای خود آن نیز ورودی سرپوشیده ستون داری (تالار) قرار دارد. (شکل ۱) این توسعه در سمت جلوی بنا، عمارت را با طاق‌گانهایی که تا سال ۱۶۰۲ م / ۱۰۱۱ هـ، بر گرد میدان افزوده بودند، در یک ردیف قرار میداد. ورودی سرپوشیده، جایگاهی را برای استقرار خانواده سلطنتی و میهمانان به هنگام رژه سپاهیان فراهم میکرد. نبوغ و سرزندگی معماران دربار از آنجا پیداست که تالاری را که شکل سنتی از معماری ایرانی است و پیشتر در عهد هخامنشیان در آپادانای پرسپولیس دیده شد، از شکل تختان سرپوشیده و پست به عمارتی تبدیل ساخته‌اند که دو اشکوب از سطح زمین بالاتر قرار دارد. (یاوری، ۱۳۹۰)

ساختمان اصلی عالی قاپو به پنج اشکوب اصلی و یک اشکوب میانی تقسیم میشود و در نقشه متفاوت است. از یک طبقه به طبقه دیگر بسیاری از عوامل برابر فاقد تسلسل ساختاری است، این امر طبیعت فزاینده نقشه بنا را آشکار می‌سازد، و نیز از طرفی تکیه گاه‌های اصلی که در اشکوب‌های پایینی حجیم است در قسمت بالا سبک تر و نازک تر میشود.



شکل ۱: سردر عالی قاپو اصفهان
(مأخذ: yakhchalhouse، ۱۳۹۹)



شکل ۲: اتاق موسیقی عالی قاپو (مأخذ: تابناک، ۱۴۰۱)

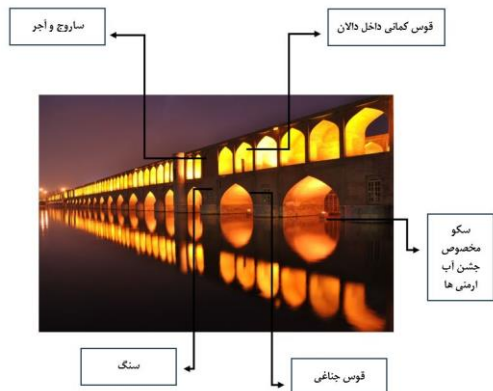
این تیرها از طبقه سوم به صورت ستونهای چهارگوش توکار و توخالی در می‌آید و در طبقه پنجم در «اتاق موسیقی» به شبکه‌ای از طاقهای نازک با گچ بری‌های توهمی تبدیل میشود. (شکل ۲) این گچ بری‌ها مشتمل است بر جا پیکره‌های مقرنس کاری که به شکل چینی‌های کشور چین، که سلاطین صفوی همواره در پی جمع‌آوری آنها بودند، شباک کاری شده است. طاق صدقی که با نقوش اسلیمی و هندسی نیز نقاشی شده، خاصیت صداگیری و همچنین تزئینی داشته است. کاربرد بعضی از اتاقهای ساختمان، مانند تالار کاربرد استفاده‌ای و ضمناً تزئینی داشته است. کاربرد بعضی از اتاقهای ساختمان، مانند تالار پذیرایی با مخزن آب و فواره‌ای بر کف تالار، را به سهولت میتوان دریافت. اما کاربرد بسیاری از اتاق‌های کوچک معلوم نیست. زمانی این اتاق‌ها را با دیوار نگاره‌هایی غنا بخشیده بودند. بیشتر این دیوار نگاره‌ها، که خیلی کم رنگ شده دارای صحنه‌های نسبتاً رمانتیک است. مانند تصویر جوانان خمود که در نقاشی‌ها و ترسیم‌های کوچک رضا عباسی محبوبیت یافت. عالی قاپو در نقش و زینت آرای مجسم‌کننده معماری مجلل دوره شاه عباس است.» (جاناتان بلوم، ۱۳۸۱)

«کاخ عالی قاپو در میدان [نقش جهان] اصفهان اقامتگاه اصلی و مرکز حکومت بود. این بنایی بلند با نقشه چهار گوش، احتمالاً از نوع شمالی است، که تالار در طبقه دوم آن قرار دارد. در این جا هم تالار، اتاق پذیرایی بزرگی است که بیش از دویست تن درباری را در خود جای می‌داد و منظره تمام شهر با مساجد، گنبدها و مناره‌ها، به ویژه فعالیت‌های داخل میدان از آن پیداست. داخل بنا پوشیده از نقاشیهای دیواری است، که همه به صورت نقشهای برجسته‌الوان است. اتاق‌های کوچک متعددی برای کارهای خصوصی دارای بخاربهای دیواری است و یک طرفشان باز است و نشانه‌ای دیگر از سبک ایرانی است که بیرون را به داخل خانه شان متصل می‌سازد. فعالیت ساختمانی شدید اوایل سده هفدهم که با الهام از نظر یا توسط شاه عباس اول صورت گرفت شامل تعدادی مقبره‌های گنبد دار زیباست. یکی از مهمترین آنها متعلق به «خواجه ربیع» از اولیای معروف است که در سال ۱۶۲۲م در باغی نزدیک مشهد ساخته شد. نقشه آن هم مانند «مقبره الجایتو» هشت گوش است، ولی چهار ضلع را فقط با قطع گوشه‌های چهار ضلع اصلی در آورده‌اند. این بنا با سرسراهای دو طبقه‌اش که رو به بیرون است، در نیمه راه یک سبک معماری ایرانی قرار دارد که در تاج محل به اوج خود رسید. سراسر آن کاشی کاری‌هایی با چنان طرح و رنگ نیرومندی است که شاید از لحاظ تنوع فوق‌العاده باشد. در آن تأثیر اجزای قوی و هماهنگ، تابش در حدی بالاتر از معمول، ولی برازنده و روی هم رفته فریبناست؛ تزئینات با برخی نقشهای برجسته دلفریب نقاشی، تذهیب و رنگ آمیزی شده است. مهمتر از آن طرز دقیق و ماهرانه‌ای است که گوشواره‌ها را پوشانده است، یعنی آنها را با تعدادی زوایای روی به بیرون به زمین منتقل کرده است. در اینجا گوشواره برجسته و خشن سلجوقی ناپدید و به برازندگی مطبوع استحکام فراوان ولی غیر نمایشی تبدیل شده است. مثلاً گنبد روی چهار طاقماست که با افزودن به گودی زیر طاقها در دو طرف و زیاد کردن حالت عمودی طاقها از سنگینی جرزها کاسته شده است.» (پوپ آرتور آپهم، ۱۳۶۵) بخشی از زیبایی عالی قاپو - دروازه بلند یا ورودی اعجاب انگیز - آن است که با ظرافت تمام به تنهایی

دیدگان را می نوازد. کاخ عالی قاپو، خلوتگاهی خصوصی نیست که در میان چندین ساختمان در باغهای دور افتاده بنا شده باشد، و این را میتوان از مکان آن که در مقابل میدانی مهم در شهر قرار دارد، دریافت. «هربرت» چنین اظهار میدارد که: عالی قاپو بیش از سایر ساختمانها در داخل خیابان قرار دارد.... با شکوه ترین ظرافت آن در تزیینات بیرونی نهفته است.... داخل اتاق ها، کمائی است و از طریق روشنایی های شبکه ای نور میگیرد، در بالای این شبکه، نقشهای برجسته که با رنگهای قرمز، سفید، آبی و طلایی رنگ آمیزی شده است، وجود دارد. اتاق های کوچک فراوان به شکلی ستودنی نیاز دفترهای اداری برای کارهای سلطنتی را بر آورده میسازد؛ بدون این که نمای برجسته ایوان چند ستونه طبقه سوم را تضعیف کند. این ایوان ستون دار موقعیت ایده ال و ممتازی است که می توان از آن مکان، از منظره متغیر موجود و حرکات شاد و با ابهت موجود در میدان زیرین لذت برد. شاه می توانست از این نقطه هم ببیند و هم دیده شود. نمای پشتی ساختمان - که به وسیله ابرت بایرون به نادرست جعبه چکمه نام گرفته - دارای چنین عنصر مرکزی نیست بلکه تنها یک سلسله ظاهراً پایان ناپذیر از طاقچه های خالی و پنجره ها را در پنج طبقه به نمایش میگذارد؛ زیرا پشت ساختمان به سمت باغ شخصی شاه است. در زمان شاه عباس، عالی قاپو ساختمانی معمولی تر از آنچه اکنون است به نظر می آمد. ساختار بخش بخش آن، ورود به زیر مجموعه های مهم دیگر به این بنا را آسان تر می ساخت. همان گونه که در بسیاری از این کاخها، استخرها و فواره ها بر محوطه ای که ساختمان در آن قرار گرفته هجوم برده است. در اینجا، این حوضچه ها و فواره ها، هم در طبقه همکف و هم در طبقه سوم قرار گرفته است. اتاقهایی برای اجرای عدالت، اتاقهای انتظار عمومی و خصوصی و اتاق های موسیقی - که این اتاق به عنوان یک قفسه وسیع نمایشی برای بخشی از مجموعه سفالینه های سلطنتی به دو بخش تقسیم شده و با طاقچه های گچی سفارشی برای جای دادن این سفالینه ها کامل شده است - تنها برخی از عملکردهای عالی قاپو را نشان میدهد. با این حال ماریجی از اتاق های کوچکتر، با راهروهای مرتبط و پلکانها وجود دارد که احتمالاً بسیاری از آنها برای اعضای خانواده شاه، حرم یا تشکیلات در نظر گرفته شده بود. نقش و نگارهای موجود در این اتاق ها که موضوعاتی شاهانه و سلطنتی دارد، این فرض را که آنها تنها دفتر کارهایی ساده بوده است را نامحتمل می سازد. تزیینات بیرونی بیشتر جنبه های معماری دارد و بر مشبک کاری، طاقچه های کور و ورودیهای کمائی تاکید شده است و فقدان تزیینات گران قیمت و پر کار نیز به وضوح به چشم می آید.» (روبرت هیلن برند، ۱۳۷۷)

۴-۶- پل الله وردی خان (سی و سه پل)

انتهای جنوبی چهار باغ به سی و سه پل میرسد که در ۱۶۰۲ م / ۱۰۱۱ هـ، به دستور الله وردی خان، محبوب و سپهسالار شاه عباس ساخته شد. (شکل ۳) این پل به طول در خور توجه ۳۰۰ متر، گذرگاهی برای چهار پایان برابر دارد که در کنار آن راهه های بالا آمده ای برای عبور عابران ساخته اند. در طول مسیر راهه ها، کلاه فرنگی هایی در چند نقطه از ساختمان اصلی پل، بیرون نشسته و به عابران امکان می دهد تا بایستند و از منظره باشکوه حوزه رود لذت برند. تا قرن ۱۹ م / ۱۳ هـ. قسمت داخلی را با نقاشی هایی آراسته بودند که به دید بازدید کننده اروپایی زنده می آمد. در این جا نیز مثل چهار باغ، اصول زیبایی شناسی و کاربردهای عملی در مجموعه ای پرشکوه به هم پیوسته است؛ زیرا سی و سه پل زاینده رود را قطع کرده و شهر را به جلغای جدید، محل ارمینان که اهمیت اقتصادی داشت و در آن زمان آنان به تازگی از سرزمین های جنگ زده مرزی در آنجا اسکان یافته بودند، و نیز به هزار جریب یا باغ عباس آباد، تفرجگاه بزرگ شاهانه بر دامنه های تخت رستم، متصل می کند.» (جانانام بلوم، ۱۳۸۱)، (شکل ۴)



شکل ۴: اجزای ساختار پل الله وردی خان

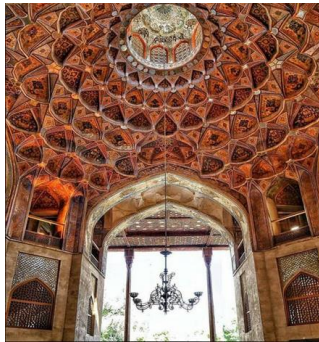


شکل ۳: سی و سه پل (مأخذ: ساعد نیوز، ۱۴۰۰)

۴-۷- کاخ هشت بهشت

کاخ کوچک هشت بهشت در اصفهان با گنبد بسیار قشنگ و خوشایندش در باغ بزرگ بلبلان قرار دارد. آن را به فرمان شاه سلیمان در سال ۱۶۶۹ م ساخته‌اند. (شکل ۴) وجه تسمیه آن به خاطر تشکیل شدنش از چهار ایوان دو طبقه است که بر یک شالوده مرمر پوش ساخته‌اند. هشتی‌های ضلع شمالی و ضلع جنوبی، سقفهای بلندی دارد که ستونهای بسیار بلند و گردی آنها را نگه داشته (به بلندی ۲۰ متر) که در اصل، رویشان آینه کاری شده بود. تالار مرکزی هشت گوش بزرگ با حوض و فواره که در اصل نقره کاری بوده، دارای گنبد کوچک ولی بسیار پر جلوه مزین به مقرنس‌های الوان است. (شکل ۵) اطراف تالار از همه طرف باز است؛ به طوری که باغ تقریباً به میان آن جاری می‌شود. داخل آن، که بر اثر بازسازی‌های دوران قاجار خراب شده، شکوه خیره‌کننده‌ای داشت. همه جا طلا و لاجورد بود و ستون‌ها پوشیده از آینه کاری، کاشی و شیشه‌های رنگارنگ طارمی‌ها و زیر طاقماها را طلا پوش کرده بودند. ولی اهمیت معماری بنا از شکوه تقریباً دیوانه‌وارش فراتر میرفت. این روابط فضایی نجیبانه بود که به این آبشار، جاه و جلال، عظمت و قدرت واقعی می‌بخشید. تالار بزرگ مرکزی که از همه طرف باز است با چهار شاه نشین کوچک در چهار گوشه آراسته شده، بی‌آن که محصور شود. از سوی دیگر، این وسعت با اتاق‌های کوچک متعدد و گنجه‌های کوچک در شاه نشین‌ها تعدیل شده است. یک چنین تضاد نمایان، میان وسعت شاهانه و لذت گوشه نشینی که سخت ماهرانه ایجاد شده در آهنگ زندگی ایرانی ارزشی بنیادی داشت. «(رتور آپهم پوپ، ۱۳۷۳) «شاردن که معمولاً رعایت اعتدال را میکند در توصیف هشت بهشت تسلیم خیال پردازی می‌شود: من میتوانم از ذکر این نکته خودداری کنم که به هنگام گردش در این جایگاه که لذاذ عشق را پدید آورده است؛ و نیز وقت عبور از این اتاق‌ها و در گاهی‌ها، دل آدمی چنان تحت تأثیر قرار می‌گیرد، که هنگام خروج به راستی همواره از خود بی‌خود میشود. آب و هوای اقلیم بیگانگان در ایجاد این اوضاع و احوال عاشقانه برای اشخاص تأثیر تامی دارد؛ ولی به طور قطع میتوان گفت که این کاخ‌ها اگر چه از یک جهت به سهولت تام منهدم می‌شود، ولی معهداً از قصرهای با شکوه ما (فرانسویان و اروپاییان) بسی خوش‌منظرتر و دلپذیرتر است.» (راجر سیوری، ۱۳۶۳) «بر اساس منابع تاریخی، این بنا در سال ۱۶۶۹ م / ۱۰۸۰ هـ، نام آن به نوعی قصر بر می‌گردد که از قرن ۱۵ م / ۹ هـ. در هرات و تبریز شناخته شده بود. این نوع بنا را عثمانیان برای ساختمان چینیلی کیوسک در استانبول به کار گرفتند و گورکانیان هند برای مقابر پادشاهانشان رواج دادند. از نام قصر چنین به نظر می‌آید که آن را ساختند تا سرور بهشت را به کره خاک فرود آورند. اگر چه این عمارت را، بنا بر بعضی آثار بر جای مانده، به گونه‌ای غنی با دیوار نگاره‌های فاقد نقش افراد تزیین کرده بودند، اهمیت آن بیشتر به لحاظ فضا آفرینی است تا جنبه‌های تزیینی، فضاهای درونی و بیرونی را به دشواری میتوان از یکدیگر تمیز داد؛ چه، همواره انسان خارج را از طریق داخل می‌شناسد و داخل را از طریق خارج. این تداخل حجم‌ها در یکدیگر با بهره‌گیری از آب تشدید یافته؛ با استفاده از مهندسی آب، فواره‌ای را در آبگیر مرکزی و آبشارهایی را در ایوان جنوبی و آن سوی پهلوی شمالی تغذیه می‌کردند. داخل بنا از چند منبع روشن است؛ تأثیر اولیه آب لرزان و مرتعش و آینه کاری معرق سقفها باید پر شکوه بوده باشد. بیشتر پوشش کاشی کاری و رنگی محو شده اما ترسیم‌های بر جای مانده که مربوط به قرن ۱۹ م / ۱۳ هـ است، نشان میدهد. که سطوح بنا را به گونه‌ای غنی تزیین کرده بودند. به نظر میرسد بیشتر آثار متعلق به دوره صفوی در این بنا، از جمله قابهای کاشی کاری پشت بغل‌های بیرونی، در مقیاسی کوچکتر با طبیعت اختصاصی بنا متناسب بوده است؛ اما به فرمان فتحعلی شاه قاجار (۱۷۹۷ - ۱۸۳۴ م / ۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ هـ.) قابهای بزرگی را از کاشی نصب کردند که او را نشسته بر تخت در میان پسرانش نشان می‌دهد. کاشی‌های شکل دار دوره فتحعلی شاه از گونه‌ای غیر از کاشی‌های اصفهان دوره صفوی است. در مجموعه‌های اروپایی و آمریکایی چند دسته کاشی لعاب کاری شده چند رنگ که گویا به یک یا چند عمارت کلاه فرنگی پشت چهار باغ تعلق دارد، نگهداری می‌شود. همه آنها تصاویر زنان و مردانی را در صحنه‌های باغی نشان میدهد. آخرین دستاورد مهم معماری دوره صفوی مجتمعی از بناهایی است که سلطان حسین اول (۱۶۹۴ - ۱۷۲۲ م / ۱۱۰۶ - ۱۱۳۵ هـ.) در چهار باغ ساخت. این مجموعه بازگشتی را به نقشه‌های شکوهمند که مورد علاقه عباس اول بود، نشان می‌دهد؛ و مشتمل است بر مدرسه‌ای به نام مدرسه مادر شاه، کاروانسرا، اسطبل‌ها و بازار که عایدات مجموع آنها این مؤسسه خیریه را تأمین می‌کرد. این بنا به قرینه سازی و نقشه محوری دقیق شناخته شده است: مدرسه، کاروانسرا، و اسطبل‌ها در یک ردیف قرار دارد و با بازار که در طول پهلوی شمالی آنها امتداد دارد، به هم متصل می‌شود. بازار، راهروی پهنی است به طول ۲۲۰ متر که دو طرف آن را با طاقگانها مرزبندی کرده‌اند: طاقگان ۸۰ متری سمت غرب مدرسه، تو نشستگی عمیق برای دکانها دارد. در حالی که قسمتهای مرکزی و شرقی، غرفه‌های کم ژرفتری دارد. ورودی اصلی مدرسه به چهار باغ باز می‌شود و از داخل به حیاط باز آن منتهی می‌شود. راه‌های باریکه و حوض‌ها، حیاط را به قسمت‌هایی تقسیم میکند که تکرار چهار باغ اصلی در مقیاس کوچک‌تر است. نیز حیاط را دو طبقه اتاق در میان گرفته، و گوشه‌ها را همچون مدرسه خرگرد (قرن ۱۵ م / ۹ هـ.) پخ کاری کرده‌اند. گنبد خانه، به تقلید از گنبد مسجد امام، با زاویه قائمه نسبت به ورودی قرار گرفته و از این رو دقیقاً رو به قبله واقع نشده، اما کاشی کاری آن نسبت به مسجد یاد شده افول زیادی را نشان می‌دهد. در ساخت آن نوارهای بزرگی از نماکاری شطرنجی ساده به چشم می‌خورد و تقریباً از کاشی معرق هیچ استفاده‌ای نشده است. نقوش هندسی غالباً زرختم، و رنگ‌گزینی شامل زرد تند است. با این همه حیاط مدرسه مادر شاه با گذرگاه‌های سرپوشیده، اندود دوغاب گچ با خطوط طاق بندی که با رنگ آبی مشخص است، و کاشی کاری پرتالوایی که در حوض

انعکاس می باید فضایی از جذابیت و آرامش، شاید بسیار افزون تر از آنچه معماری آن سزاوار است، به بنا بخشیده است. اندازه بزرگ و انباشتگی رازدار شکلها در این مجتمع، سبک یاد شده را تا دو قرن فرا راه معماران نهاد.



شکل ۶: مقرنس های هشت بهشت
(مأخذ: آخرین خبر، ۱۳۹۶)



شکل ۵: کاخ هشت بهشت
(مأخذ: ویکی پدیا، ۱۳۹۶)

پیشرفت عظیم اصفهان در دوره شاه عباس اول در مقیاس کوچکتری در شیراز و با حمایت کریم خان زند که از سال ۱۷۵۰ تا ۱۷۷۹ م / ۱۱۶۴ تا ۱۱۹۳ ه. نایب السلطنه صفویان در آنجا بود، تکرار شد. (شکل ۵) او پایتخت خود را با خیابانهای گشاد و با بیش از ۲۵ بنای عمومی، از جمله مسجد، بازار و قصر، شکوهی بخشید. به پیروی از آرایش شهری صفویان در اصفهان و کرمان، مهم ترین بناها بر گرد میدانی بزرگ ساخته شد. اگر چه این میدان را به شکلی امروزی درآورده اند و با خیابان گشاده ای (=بلوار) به دو قسمت کرده اند، موقعیت اولیه آن بناها را میتوان بازسازی کرد. در شمال میدان، ارگ و مقداری بقایای پراکنده از زمین قصر قرار دارد. در طرف جنوب، مسجد جامع وکیل واقع است که ساخت آن از سال ۱۷۶۶ م. / ۱۱۸۰ ه. آغاز شد. این مسجد دارای صحن مربع شکل (به ضلع ۶۰ متر) است که طاقگانی یک اشکوبه و ایوانهایی در شمال و جنوب آن را احاطه کرده است. ایوان شمالی به ورودی عمیقاً تو نشسته ای از طرف میدان اتصال می یابد؛ در حالی که ایوان جنوبی به تالار شبستان اصلی ختم می شود که مستطیل ژرفی است که با پنج ردیف دهانه طاق بندی شده و ۴۸ ستون سنگی قاشقی دار آنها را نگه می دارد. نمای صحن دارای ازاره ای سنگی و کاشی هایی است که با گلهای طبیعی و با رنگ مایه های شاخص سرخ و زرد نقاشی شده است. (شکل ۶) مجتمع وکیل، حمامی عمومی در پشت مسجد و بازار طاق بندی شده ای هم در جانب شرق خود داشت. (یاوری، ۱۳۹۰)

۵- نتیجه گیری

شیوه ی اصفهانی در دوره ی صفویه و در شهر اصفهان شکوفا شد و در زمان شاه عباس صفوی به اوج خود رسید. این شیوه، بنا بر بررسی های صورت گرفته، نقطه عطفی در معماری ایرانی بشمار میرود و حتی بعضی ها ازین دوره با عنوان عصر طلایی یاد میکنند چراکه زیبایی و عظمت هنرمعماری و تزئینات بکار رفته را میتوان در تک تک بناهای ساخته شده در این عصر از جمله کاخ عالی قاپو، پل الله وردی خان و کاخ هشت بهشت مشاهده کرد. پیشرفت این هنر در این دوره را میتوان مدیون نام آوران و مشاهیری همچون شاه عباس، ملاصدرا و شیخ بهایی دانست.

از آنجایی که هر سه بنای شاخص در این دوره، از لحاظ کالبدی مورد بررسی قرار گرفته است، میتوان اینگونه برداشت کرد که، مرکز توجه معماری در آن عصر، مردم بوده اند فلذا بناهای ساخته شده هم، در پاسخگویی به نیازهای روز جامعه ساخته میشدند. و در نهایت در یک نگاه کلی؛ اوج گیری و رونق معماری در عصر صفویه راه، میتوان مرهون شکوه و عظمت مکتب اصفهانی دانست که آنچنان نقشی را در تاریخ فرهنگ و هنر معماری اسلامی ایران ایفا کرده است که به جرات میشود گفت همچنان بر فراز معماری عصر معاصر در حرکت است و این هنر مدرن از نیاکان خود بهره مند میشود. مکتب اصفهانی تا به امروز یکی از پرافتخارترین و ارزشمندترین میراث های بجامانده در تمدن ایرانیست.

جدول ۳: معرفی کامل شیوه اصفهانی در دوره صفوی

دوره ظهور شیوه	ادوار شیوه	سردمداران سبک	ویژگی سبک	ویژگی شاخص	تزئینات	سه اثر شاخص
دوره صفوی	صفویه افشاریه زندیه قاجاریه	درونگرای، قوس جناغی، چهار ایوانی، صحن مرکزی	ساده شدن کالبد بنا، هندسه ساده و خطوط شکسته، رایج شدن گوشه های پخ، پیمون بندی، پیشرفته	رنگ، نقش بر دیوار، نورپردازی و آئینه کاری و گچبری، کاشی هفت رنگ، سر ستون مقرنس، پایه ستون، مارپیچ	رنگ، نقش بر دیوار، نورپردازی، آئینه کاری و گچبری، کاشی هفت رنگ، سر ستون مقرنس، پایه ستون، مارپیچ	سی و سه پل 
						کاخ عالی قاپو 
						کاخ هشت بهشت 

منابع

۱. بلوم، جاناتان، شیلا بلر. (۱۳۸۱). هنر و معماری اسلامی. اردشیر اشراقی. نشر سروش. تهران.
۲. پوپ، آرتور آپهم. (۱۳۷۳). معماری ایران. ترجمه غلامحسین صدری. نشر فرهنگان. تهران.
۳. پوپ، آرتور آپهم. (۱۳۶۵). معماری ایران. ترجمه کرامت الله افسر. نشر فرهنگسرا. تهران.
۴. پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۹۸). سبک شناسی معماری ایرانی. نشر گلجام. تهران.
۵. خانعلی، حمید، اکبر پورفرج، رضا عطایی، حمیده داداش و نند نیگجه. (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل تأثیر معماری سبک آذری بر سبک اصفهانی « مطالعه موردی: مساجد ستوندار اسنق و جمال آباد شهرستان هریس و مهربان ». مطالعات باستان شناسی پارسه. شماره ۶.
۶. رضوی نیا، سید محمد حسین. (۱۳۹۶). بررسی نشانه شناختی مکتب اصفهان در شهرسازی و معماری. مدیریت شهری. شماره ۵۰.
۷. سرداری، مازیار. (۱۴۰۰). کلاس درسی معماری اسلامی ۱. پاییز ۱۴۰۰.
۸. سیوری، راجر. (۱۳۶۳). ایران عصر صفوی. ترجمه کامبیز عزیزی. نشر سحر. تهران.
۹. صالح، علی. (۱۳۹۹). تحلیل و بررسی معماری عصر صفویه. مطالعات علوم اسلامی انسانی. شماره ۳۷.
۱۰. هیلن برنر، رابرت. (۱۳۷۷). معماری اسلامی. شرکت پردازش و برنامه ریزی شهرداری. تهران.
۱۱. یاوری، حسین، رقیه باوفا. (۱۳۹۰). اصفهان باغ آسمان: سیری در حکمت معماری اسلامی و تزئینات وابسته به آن دوره صفویه (با تأکید بر معماری اسلامی اصفهان در دوره مذکور). نشر آذر. تهران.